



تاریخ، ابوذری را چگونه معرفی می‌کند

ابوذری؛ پارسای اندیشه‌ور

ابراهیم نجاتی

سر نوشت ابوذر

همچنان که ابوذر به سبب درگیری‌های مشهورش با امویان، اسوای از شجاعت و دفاع از عقیده راستین برای شیعه است، سلمان نیز از مهمترین نمادهای هویتی ایرانیان در قبول اسلام و تشیع است، هرچند او خود را سلمان محمدی و نه فارسی می‌خواند. اما ابوذر چه ویژگی‌ای دارد که در اوج التهابات اجتماعی جوامع اسلامی، به عنوان گزینه سوسیالیسم اسلامی مطرح شده و در پیراسته‌ترین حالت، نماد اعتراض و انقلابی‌گری در مقابل سرمایه‌داری ناعادلانه شناخته می‌شود؟ و چرا سلمان یا دیگر اصحاب پیامبر مورد این اقبال قرار نمی‌گیرند؟ آیا می‌توان گفت نام و کارنامه سلمان تداعی‌گر مسالمت و وحدت و داستان دردناک ابوذر تداعی‌گر تنهایی ناشی از حق‌گویی و شجاعت است؟ گویی در وجود سلمان، مشاوری و همکاری علی (ع) با خلفا را می‌توان دید و در وجود ابوذر، شش‌شقه‌ها و دغدغه‌های علی (ع) را. برخلاف امثال عمار یاسر یا سلمان فارسی که در زمان خلیفه دوم فرماندار ایران بود، ابوذر عهده‌دار امور حکومتی خلفا نشد. اما آیا این تفاوت‌ها برای معرفی دیگرگونه ابوذر کافی است؟ تاریخچه اعتراضات ابوذر بدون شناختی کلان‌تر از او، می‌تواند سیمای مردی را در اذهان ترسیم کند که جز خاطره تندی‌ها و تنش‌ها و کم‌حوصلگی‌ها چیز دیگری برای امروز ما ندارد. آیا سیمای ابوذر در تاریخ و روایات نیز این‌گونه است؟ یا این تقدیر ابوذر بوده است که برخلاف بسیاری دیگر از صحابه، دوران خلیفه سوم و تغییر رویه او نسبت به خلفای پیشین را نیز ببیند؟

از غفار تا ریده

جندب بن جناده - که ابوذر کنیه اوست - از قبیله غفار و از پیشگامان غیر قرشی در اسلام بود. برخی او را چهارمین یا پنجمین مسلمان تاریخ می‌دانند. ابوذر از ساکنین شهر مکه نبود بلکه در اطراف آن شهر می‌زیست. بعد از اینکه مسلمان شد تا پس از جنگ بدر و احد در میان قوم خویش مقیم بود و سپس به مدینه آمد. حضرت رسول (ص) در برخی از غزوات همچون غزوه «ذات الرقاع» و غزوه «بنی المصطلق» او را در مدینه جانشین خود می‌کرد. از جمله به هنگام جانشین حضرتش بود. در فتح مکه پرچم بنی غفار را داشت. در جنگ تبوک ابوذر از سپاه اسلام عقب افتاد و وقتی رسید پیامبر اکرم (ص) فرمود: «آفرین بر ابوذر که تنها راه می‌رود و تنها می‌میرد و تنها برانگیخته می‌شود. مثل این بود که یکی از عزیزان

خانواده‌ام از من بازمانده و نرسیده است.»

ابوذر پس از رحلت رسول خدا از طرفداران علی (ع) شد و از جمله چند نفری بود که از بیعت با ابوبکر خودداری کرد. می‌گویند او در فتح بیزانس (روم شرقی) و قبرس در سال 23 قمری شرکت کرده است. در دوره خلافت عثمان به انتقاد علیه حکومت روی آورد. به همین دلیل به شام و سپس به ریزه تبعید شد. امام علی، امام حسن و امام حسین -علیهم السلام- و عمار و عبدالله بن جعفر او را به هنگام تبعید به ریزه مشایعت کردند.

ابوذر در سال 31 یا 32 قمری در ریزه در حالی که غیر از همسرش کسی در آن بیابان در کنارش نبود وفات یافت و «عبدالله بن مسعود» که با چند تن از افرادش از آنجا عبور می‌کرد، بر او نماز خواند و او را در همان جا به خاک سپرد.

نزد اهل سنت

در روایاتی از منابع اهل سنت صراحتاً از برخی اصحاب با عنوان دوستان پیامبر (ص) نام برده شده است: «رفقای رسول خدا (ص) دوازده نفرند؛ ابوبکر، عمر، علی (ع)، حمزه، جعفر، ابوذر، مقداد، سلمان، خدیجه، ابن مسعود، عمار یاسر، بلال بن رباح». همچنین در تأکید بر علو شخصیتی برخی از آنان آمده است که: «ترمذی ما را حدیث کرد که رسول خدا فرمود: پروردگار، مرا به دوست داشتن چهار تن امر کرده است، علی (ع) یکی از آنهاست و ابوذر و مقداد و سلمان هم؛ و خبر داده که خود نیز آن‌ها را دوست دارد.»

قبل از اسلام

«عبدالله بن صامت» گفته است که ابوذر خود می‌گفت: سه سال پیش از دیدارم با فرستاده خدا (پیامبر اکرم (ص))، عبادت می‌کردم. «ابی معشر» گفته است: ابوذر در زمان جاهلیت خداپرست بود و لا اله الا الله می‌گفت و بت‌ها را نمی‌پرستید.

روزی ابوبکر دست ابوذر را گرفته، گفت: ای ابوذر، آیا در زمان جاهلیت خداپرست بودی؟ گفت: آری، آنقدر در زیر آفتاب عبادت می‌کردم تا ز شدت گرما، بی‌جان بر زمین می‌اندام. پرسید: به کجا توجه می‌کردی؟ پاسخ گفت: بدانجا که خدایم متوجه می‌ساخت.

برادرش آنیس خبر ظهور پیامبری جدید را این‌گونه به او داد: او مردی است که راست می‌گوید در حالی که قریش برایش چهره عبوس کرده‌اند، بدنبال این

خبر ابوذر راهی مکه شده به حضور پیامبر اکرم (ص) مشرف شده و با شجاعت اسلام آوردن خود را در فضای بسته مکه ابراز کرد.

پارسا، مثل عیسی (ع)

پیامبر (ص) فرمود: «آسمان کبود سایه نیفتاده و زمین پرغبار در بر نگرفته است راستگوتر و با وفاتر از ابوذر را. او همانند عیسی بن مریم است». در جایی دیگر، پیامبر (ص) فرمود: «آسمان سایه نیفتاده و زمین در بر نگرفته است راستگوتر از ابوذر را، مگر پیامبران».

ابوذر می‌گفت: «روز قیامت مجلس من از همه شما به رسول خدا (ص) نزدیکتر است و این به آن جهت است که از آن حضرت که درود و سلام خدا بر او باد شنیدم که می‌فرمود: نزدیک‌ترین شما روز قیامت به من کسی است که از دنیا همان‌گونه بیرون رود که در زمان رحلت من بوده است و بخدا سوگند هیچ‌کس از شما نیست مگر آنکه به چیزی از دنیا دست یازیده است جز من». شخصیت استثنایی ابوذر به حدی می‌رسد که از سوی جبرئیل به پیامبر خدا (ص) ندا می‌رسد که: «سوگند به کسی که ترا به حق به پیامبری برانگیخته است او در ملکوت آسمانها از زمین مشهورتر است به پارسایی و پرهیزکاریش در این جهان فانی». از امام علی (ع) نیز روایتی آمده است که «امروز هیچ‌کس جز ابوذر و خودم باقی نمانده است که در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده نترسد!»

دانش و حکمت

امام علی (ع) در مورد ابوذر فرمود: «انباشته از علمی شد که از کشیدن آن ناتوان ماند، بسیار سختگیر و آزمند بود، سختگیر به از دست دادن دین خود و آزمند نسبت به کسب علم». چنانچه ابوذر، خود نیز می‌گفت: «پس از ترک محضر رسول خدا (ص) چنان شد که اگر پرنده‌ای در آسمان بال می‌زد، از آن حالت دانشی را به خاطر می‌آوردیم و بهره علمی می‌بردیم» گویا از میان تابعین، مالک اشتر با ابوذر مصاحبت داشته و از علم او نیز بهره‌مند شده است.

چنان بود که مولای متقیان درباره‌اش گفت: «ابوذر فراوان سؤال می‌کرد، گاه رسول الله (ص) به او پاسخ می‌داد و گاه پاسخ نمی‌داد. ابوذر در دینش آزمند بود و به فراگرفتن علم حریص، آن قدر علم آموخت که پیمانۀ علمش پرشد آن‌گونه که از تحمل آن عاجز آمد». از سوی دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: «بیشترین عبادت ابوذر تفکر و پند گرفتن بود.»